

بررسی فقهی و راهکارهای کاهش مهریه^۱

سید محمد جواد وزیری فرد^۲

فاطمه فلاح تفتی^۳

چکیده

از جمله حقوق زن بر مرد پرداخت مهریه است. به مهری که در حین عقد با توافق زوجین تعیین می‌شود، مهرالمسمی می‌گویند که سقف محدودی ندارد و زوجین می‌توانند هر مقدار که بخواهند مهر قرار دهند و از جهت حداقل هر چیزی که عنوان مال بر آن اطلاق شود و قابل تملک باشد، می‌تواند مهریه قرار گیرد. روایات زیادی در باب استحباب مهریه کم وارد شده و سفارش شده است که از مهرالسنة (پانصد درهم یا پنجاه دینار) تجاوز نشود. متأسفانه، با همه این سفارش‌ها، امروزه شاهد افزایش بی‌رویه مهریه‌ها هستیم که آثار زیانبار و نامناسبی را برای خانواده‌ها به بار آورده است. بر همین اساس تلاش‌هایی در جهت واقعی کردن میزان مهریه صورت می‌گیرد و هر یک از کارشناسان بنا بر تخصص خود راهکارهایی را جهت کاهش میزان مهریه ذکر می‌کنند. در مقاله حاضر، پس از بررسی و نقد دیدگاه‌های مزبور، نظریه نگارنده که احراز توان مرد در پرداخت مهریه (بالفعل یا بالقوه) است، همراه با مستندات و راهکار اجرایی مطرح می‌گردد.

واژگان کلیدی

مهریه، مهرالسنة، مهریه توافقی، قنطار

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۲/۶

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسؤول)

vaziryfard@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

مقدمه

وقتی زن و شوهر با یکدیگر رابطه زوجیت برقرار می‌کنند، بین آن‌ها رابطه متقابل حق و تکلیف برقرار می‌شود و در برابر یکدیگر، هم حق پیدا می‌کنند هم تکلیف. از جمله حقوق زن بر مرد، پرداخت مهریه است. سوره نساء آیه ۴ در این باره می‌فرماید: «وآتوا النساء صدقاتهن نحله». مهر را از آن جهت «صداق» گویند که نشانه صادقانه بودن علاقه مرد است یا به خاطر آن‌که نشانه صدق ایمان است و به‌کار بردن واژه «نحله» از آن جهت است که مهر، جنبه‌های و پیش‌کشی و عطیه دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۶۲). به مهری که در حین عقد با توافق زوجین معین می‌شود، مهرالمسمی گویند که سقف محدودی ندارد. ولی روایات زیادی در باب استحباب مهریه کم وارد شده است. متأسفانه با همه این سفارش‌ها، امروزه شاهد افزایش بی‌رویه مهریه‌ها هستیم. موضوعی که امروزه به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات بر سر راه ازدواج جوانان و نیز زوجها تبدیل شده و آثار زیانبار و نامناسبی را برای خانواده‌ها به بار آورده است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «نقش مادیات در ازدواج، باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است. بعضی‌ها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است»^۱.

بر همین اساس، تلاش‌هایی در جهت واقعی کردن میزان مهریه صورت گرفته و قانون‌گذار در مواردی در این امر دخالت کرده است تا شاید بتواند جلوی این معضل اجتماعی را بگیرد. نگارنده در این مقاله، پس از بیان نظر فقها درباره میزان مهریه، به علل افزایش مهریه در

^۱- بیانات معظم له در مراسم اجرای خطبه عقد ازدواج، ۱۳۷۰/۰۴/۲۰، نرم افزار حدیث ولایت، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله خامنه‌ای)

عصر حاضر اشاره کرده است که به نظر می‌رسد، مقدمه لازمی باشد برای بحث بعدی مطرح شده در مقاله که راهکارهای فقها، حقوقدانان و نظریه‌پردازان اجتماعی است برای پایین آوردن مقدار مهریه. در این قسمت، پس از بررسی و نقد دیدگاه‌ها، نظریه نگارنده همراه با مستندات، مطرح شده است. بیان این‌گونه پیشنهادهای می‌تواند راهکار مناسبی را پیش‌روی قانون‌گذار قرار دهد تا برای این مسأله، قوانینی تنظیم و تصویب نماید که زمینه را برای اجرای این سنت نبوی در جامعه اسلامی فراهم سازد.

آرا فقها درباره میزان مهریه

در فقه امامیه دو نظر در خصوص مقدار مهریه وجود دارد:

۱- مهر السنه

برخی بر این عقیده‌اند که میزان مهر نباید بیش‌تر از مهر السنه یعنی پانصد درهم باشد. قائلان این نظریه سید مرتضی، شیخ صدوق و ابن جنید اسکافی می‌باشند. در *انتصار سید مرتضی آمده است:*

«از جمله چیزهایی که مختص امامیه است، این است که مهریه نباید از ۵۰۰ درهم که ۵۰ دینار می‌شود، تجاوز کند و این امر از جمله مسائل اجماعی است» (شریف مرتضی، ۱۴۱۵هـ ص ۲۹۲). ولی باید گفت هر چند که اجماع امامیه از نظر سید مرتضی یک دلیل قاطع و علم‌آور است (چرا که مبنای او در اجماع، اجماع دخولی است)، اما وی در مورد رجوع به اجماع، بر این عقیده است که در هر حکمی که آن را به وسیله ظاهر کتاب یا نقل متواتر موجب علم، از رسول الله (ص) و ائمه ۷ دریافت نکنی، به اجماع رجوع می‌شود (همو، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۶۲۸)، که در این صورت با توجه به دلالت آیه ۲۰ سوره نساء «وَأْتِمُمُ احْدَاهُن قَنْطَارًا» که دلالت دارد بر این‌که مهریه حد خاصی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۴، ص ۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲) و روایات متعدد دیگر از جمله صحیح و *و شاء* از امام رضا ۷ (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۸۴)^۱، اجماع مورد نظر عملاً محقق نخواهد شد. علاوه بر آن‌که، اکثر فقها

نیز با این نظرمخالفت کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۴هـ ص ۲۶؛ دیلمی، ۱۴۱۴هـ ص ۱۵۴؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۷۲؛ حلی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۹۳؛ حلی، ۱۴۱۱هـ ج ۳، ص ۳۸۵؛ بحرانی، ۱۴۰۸هـ ج ۲، ص ۴۲۹).

شیخ صدوق نیز در کتاب *الهدایه* قائل به عدم جواز شده، اما از ظاهر متن کتاب *المقنع* وی، استحباب مهرالسنه برداشت می‌شود. ابن‌جنید در این باره به روایت مفضل از امام جعفر صادق ۷ استناد کرده است که می‌گوید، از حضرت در مورد مقدار مهریه زن که نباید از آن تجاوز گردد، سؤال کردم، فرمود: «سنت محمدی ۵۰۰ درهم است. پس کسی که بیش‌تر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر بازگشت داده می‌شود و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست»، این نظر البته با ظاهر کتاب و سنت در تعارض است» (سبحانی، ۱۴۱۷هـ ج ۲، ص ۱۸۶).

۲- مهریه توافقی

مهریه توافقی به این معناست که برای مهریه مقدار حداقل و حداکثر معینی ذکر نشده است، بلکه هر قدر که زوجین بر آن توافق کنند، می‌توان مهریه قرارداد. این نظر اکثر یا اشهر فقهای شیعه است که عقیده دارند برای مهریه حداکثری وجود ندارد. ذکر این نکته لازم است که ما در این‌جا در مقام بیان جواز مهریه توافقی هستیم، هر چند که بعضاً در بین این روایات هم بعد از قول به جواز، ائمه علیهم‌السلام کراهت مهر زیاد را بیان داشته‌اند. دلایل ایشان برای اثبات این ادعا بدین شرح است:

الف - قرآن: آیه ۲۰ سوره نساء می‌فرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتیم احداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً. أتأخذونه بهتاناً و اثماً مبیناً»؛ اگر خواستید زنی را رها کرده، زنی دیگر اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده‌اید، نباید چیزی از مهر او را پس بگیرید. آیا با تهمت زدن به زن مهر او را می‌گیرید؟ این گناهی آشکار است».

منظور از قنطار مال عظیم است (افریقی مصری، ۱۴۰۵هـ ج ۵، ص ۱۱۹؛ طریحی، ۱۴۰۸هـ ج ۳، ص ۵۲۳؛ زبیدی حنفی، ۱۴۱۴هـ ج ۷، ص ۴۲۲) و این‌که خداوند فرموده است که مهریه زنان را اگر بسیار هم باشد، بپردازید، دلالت بر آن دارد که برای تعیین مهریه حد و مرزی وجود

^۱ - بررسی آیه و روایات در قسمت مهریه توافقی تفصیلاً بیان خواهد شد

ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۴، ص ۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲).

ب - روایات: در این باره روایات زیادی وارد شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:
- علی بن الحسن بن فضال از زراره از ابی جعفر 7 روایت کرده است که فرمود، مهریه یا صدق، چیزی است که هر دو نفر بر آن رضایت می‌دهند کم باشد یا زیاد (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۵۳). به عبارت دیگر برای میزان مهریه، حداکثر واقعی تعیین نشده است.
- علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی بصیر از عمر بن اذینه از فضیل بن یسار از ابی جعفر 7 نقل کرده است که مهریه چیزی است که طرفین به آن راضی باشند و فرقی نمی‌کند کم باشد یا زیاد (حر عاملی، ۱۴۱۴هـ ج ۲۱، ص ۲۴۰).
- و شاء می‌گوید، از امام رضا 7 شنیدم که فرمود: «اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهریه وی را بیست هزار سکه (درهم یا دینار) قرار دهد و برای پدرش ده هزار، مهر زن صحیح است و آنچه برای پدرش قرار داده شده، فاسد است» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۱۴).

دلایل افزایش مهریه

دانستن عوامل افزایش مهریه، اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان کرده، امید دستیابی به راهکار مناسب جهت کاهش آن را بیش‌تر می‌کند. در این خصوص، معمولاً به دلایل زیر اشاره می‌گردد:

الف - بعضی خانواده‌ها، مهریه زیاد را بالاترین حربه برای محدود کردن اختیارات مرد می‌دانند. طبق بررسی‌های بعمل آمده در شهر تهران، میزان اعتماد اجتماعی در حد قابل توجهی پایین آمده است (رفعی‌پور، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹). بدیهی است که انسان‌ها در انجام معامله با افراد بیگانه یا ناشناس سعی می‌کنند میزان ریسک‌پذیری خود را به حداقل رسانده، برگ برنده‌ای در اختیار خود نگه دارند. از عناوینی مانند عدم اطمینان به آینده، ترس از وقوع مسائل غیرقابل پیش‌بینی، کنترل هواخواهی و مهار تمایلات تنوع‌جویانه مرد، می‌توان دریافت که اعتقاد به افزایش مهریه، ریشه در ارتقای ضریب استحکام بنیان خانواده و کاهش وقوع طلاق و پیامدهای بد آن دارد. از این دیدگاه، استواری خانواده در گذشته معلول تعهدات اخلاقی طرفین، قبح طلاق، شدت کنترل اجتماعی، انتظارات محدود و ... بود، به همین دلیل هم، مهریه و سایر الزامات حقوقی نقش چندانی نداشت؛ ولی در جامعه

امروز به سبب تغییرات اجتماعی، عرف برای تثبیت این کانون، به مقولاتی هم‌چون افزایش مهریه توسل می‌جوید (یوسف‌زاده، ۱۳۸۴، ش ۲۷، ص ۶۳). البته این نظریه مستند به هیچ تحقیق میدانی نیست.

ب - برخی از طرفداران حقوق زن معتقدند، می‌توان از مهریه‌های سنگین در راستای توسل به ثروت و سرمایه‌گذاری استفاده جست؛ چرا که راه‌های دسترسی به ثروت، برای مردان و زنان متفاوت است و درخواست مهریه زیاد، یکی از راه‌های استقلال اقتصادی زنان است؛ زیرا در کشور ما، زنان توان مالی مناسبی ندارند و مهریه سنگین، پشتوانه مالی مناسبی است تا در صورت جدایی، از نظر مالی دچار مشکل نشوند (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰، ۱۳۰).

ج - طبق برخی تحلیل‌ها، افزایش مهریه، پیامد افزایش روزافزون هزینه‌ها و تشریفات متنوع و پرخارج ازدواج، هم‌چون تهیه جهیزیه کامل به وسیله خانواده دختر است. نظام اجتماعی موجود، مهریه را به عنوان سنتی ملی - مذهبی، مستمسک مناسبی برای جبران بخشی از هزینه‌ها تشخیص می‌دهد؛ زیرا مهریه تنها مجرای است که خانواده دختر می‌تواند، اقتدار و کمال و عزت خود را نشان دهد (یوسف‌زاده، ۱۳۸۴، ش ۲۷، ص ۶۵). اما باید گفت که در عرف خانواده‌های ایرانی مهریه عندالمطالبه است و به‌ندرت مطالبه می‌شود. از این رو نمی‌توان گفت که از مهریه برای تهیه جهاز و مخارج ازدواج دختر استفاده می‌شود.

د- برخی دختران و واپستگان آن‌ها، مهریه سنگین را موجب فخرفروشی و مباحثات و بزرگی می‌دانند (امیراحمدی، ۱۳۸۱، ص ۶۸). «دستیابی به مهریه‌های کلان ممکن است به نوعی تفاخر اجتماعی تعبیر شود که زنان و جوانان در سن ازدواج، بیش‌تر از هر گروه دیگر در معرض آن قرار می‌گیرند، بیش‌تر از هرکس دیگر به آن ارج می‌نهند و بیش‌تر از هر گروه دیگر از آن اثر می‌پذیرند» (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

ه - به نظر می‌رسد، دلیل اصلی بالا رفتن مهریه، که به مرد برمی‌گردد، نسیه بودن مهریه است که مرد هنگام ازدواج و تعیین مهریه با توجه به عرف حاکم، خود را ملزم به پرداخت مهریه نمی‌داند. اکثریت جامعه معتقدند که «مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته است؟». به همین دلیل این حق مالی را هیچ می‌انگارند و جز در موارد استثنا و اضطرار هم‌چون طلاق، بدان توسل نمی‌جویند. از آن‌جا که در عرف، زن زمانی خود را محق برای مطالبه مهریه می‌داند که اختلافی بین وی و شوهرش رخ داده باشد، برای مرد فرق نمی‌کند که در سند ازدواج چه مبلغی را متعهد می‌شود؛ یعنی با توجه به این‌که هنگام انعقاد عقد نکاح، فقط میزان مهریه نوشته می‌شود و عرفاً تا قبل از بروز اختلاف بین طرفین

و تا زمانی که زن و مرد به خوبی با یکدیگر زندگی می‌کنند، زن از شوهر خود مهریه درخواست نمی‌کند و اصولاً چنین امری را خلاف حسن معاشرت تلقی می‌نماید و مرد نیز پرداخت مهریه به همسر خویش را در زمان صلح و زندگی مسالمت‌آمیز بر نمی‌تابد، مرد حاضر به پذیرش این تعهد می‌گردد؛ زیرا هنگام انعقاد عقد، زن و مرد، به فکر اختلاف نیستند و قصد دارند در کنار هم زندگی کنند، نه این‌که با یکدیگر معامله کنند (جلالی، ۱۳۱۹، ش ۴۸، ص ۱۹۱).

راهکارهایی برای پایین آوردن مقدار مهریه

در این قسمت، به راهکارهایی که فقها، حقوقدانان و نظریه‌پردازان اجتماعی برای پایین آوردن مقدار مهریه ارائه کرده‌اند، اشاره می‌کنیم.

۱- پرداخت نقدی مهریه

یکی از راهکارها این است که مهریه در ابتدای ازدواج به صورت نقدی پرداخت شود. پرداخت نقدی مهریه در ابتدای ازدواج منجر به معقول شدن میزان مهریه می‌شود. به عنوان مثال، مبلغ ریالی ۱۱۴ سکه بهار آزادی را که از نظر عرف جامعه، مهریه‌ای پایین است، با توجه به نرخ روز سکه آن قدر سنگین است که اکثر افراد توانایی پرداخت آن را، آن‌هم به طور «عندالمطالبه» ندارند. بدین منظور، باید سازوکاری از طرف حکومت اندیشیده شود تا افراد برای ثبت ازدواج، ملزم به پرداخت مهریه گردند (تاتار، ۱۳۹۰، قابل دسترسی در سایت خبری تحلیلی alef).

نقد و بررسی

آنچه در سنت ذکر شده، تعیین مقدار مهریه است، نه ملزم کردن زوج به پرداخت آنی و نقدی آن به زوجه؛ چرا که از هیچ یک از روایات باب مهریه این مطلب را نمی‌توان استخراج کرد. این مطلب را می‌توان از تصریح فقها به استحباب دادن مهریه قبل از دخول، یا مستقر شدن مهریه بر ذمه زوج و یا صحت عقد در صورت عدم ذکر مهریه، برداشت کرد که بیانگر عدم لزوم پرداخت آنی مهریه در هنگام عقد است (حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۸۰؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ ج ۳، ص ۳۹۶؛ عاملی،

۱۳۱۴هـ ج ۱، ص ۲۸۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳هـ ج ۲، ص ۲۲۱). البته ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد که: «برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی را قرار داد». وانگهی این پیشنهاد، راه را برای ازدواج دشوارتر می‌کند و جوانان تمایل کمتری به ازدواج پیدا می‌کنند که این خود معضل بزرگتری است. از طرف دیگر می‌توان گفت الزام به پرداخت نقدی مهریه حکمی ثانوی به شمار می‌آید و آن فرع بر احراز عنوان ثانوی و تابع ضوابط ویژه‌ای است که بدون احراز عنوان و رعایت شرایط آن وجاهت شرعی ندارد.

۲- مالیات بر مهریه

در سال ۱۳۸۶ لایحه‌ای تحت عنوان «حمایت از خانواده» به پیشنهاد قوه قضاییه در ۵۰ ماده به هیأت دولت تقدیم شد. در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۳ با تغییراتی در ۵۳ ماده جهت بررسی و تصویب به مجلس ارسال شد. در تغییراتی که هیأت وزیران در این لایحه پیشنهادی دادند، ماده‌ای اضافه شد که مسأله اخذ مالیات از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور را مطرح کرد. بر این عقیده‌اند که روش مالیات بر مهریه، نسبت به بقیه روش‌ها کاربردی‌تر است.

بدین معنا که اگر مثلاً ده درصد مهریه و یا حتی پنج درصد آن، به‌عنوان مالیات مهریه قبل از ثبت رسمی عقد، مطالبه شود، مشاهده خواهد شد که بالای نود درصد جوانان این مملکت، برایشان بسیار سنگین و گاهی غیرممکن است که حتی ۵ سکه طلا به خزانه دولت واریز کنند. آن‌وقت است که دختران و پسران جوان و حتی بزرگ‌ترهای آن‌ها که در موضوع مهریه به‌ناحق دخالت می‌کنند، خواهند گفت که بهتر است، این مبالغ در زندگی خود جوانان خرج شود و حتی پرداخت ۵ سکه را به‌عنوان مجوز تعلق گرفتن ۹۵ سکه کاری بیهوده به حساب می‌آورند و عاقلانه‌تر رفتار می‌کنند.^۱

^۱ در ماده ۲۵ آمده است: «وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید. میزان مهریه متعارف و میزان مالیات با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد».

نقد و بررسی

در نگاه اول به نظر می‌رسد، این اقدام، موجب کاهش مهریه‌ها خواهد شد؛ زیرا مردم تمایل دارند، مالیات کمتری بپردازند. همچنین، مالیات بر مهریه، در هنگام عقد و تعیین مهر باید پرداخت شود و از طرف زوج باید داده شود. اما عرف و رویه عمومی جامعه، نشان می‌دهد که این قضاوت چندان دقیق نیست؛ زیرا گروهی که می‌خواهند مهریه‌شان بالاتر از مقدار متعارف باشد، دو دسته‌اند؛ یا میزان مهریه را همانند مقدار متعارف قرار می‌دهند که در این صورت با اندکی پایین آمدن، از معافیت مالیاتی برخوردار خواهند شد و یا میزان مهریه را بسیار بالاتر از حد متعارف تعیین می‌کنند که در این صورت، میزان مالیات مقرر را به مهریه خالص مورد توافق اضافه کرده‌اند؛ مثلاً اگر فرض کنیم، مالیات بر مهریه ۲۵ درصد باشد، مطمئناً زنان این گروه، مهریه‌شان را ۲۵ درصد افزایش می‌دهند و به عبارت دیگر، هزینه مالیات را به شوهرانشان منتقل می‌کنند. این اتفاق، مشابه همان وضعیتی است که هم اکنون در مالیات بر حقوق و دستمزد رخ می‌دهد. این سیاست، نه تنها موجب کاهش مهریه‌ها نمی‌شود؛ بلکه آن را افزایش هم می‌دهد. از طرف دیگر، اگرچه هر میزان مهریه پایین باشد، مالیات هم کمتر و در نتیجه دادن آن راحت‌تر می‌شود (مانند پرداخت خمس)، که البته این مطلب ناظر به جنبه روانی مسأله است، اما در مقام عمل، زمانی نتیجه‌بخش خواهد بود که سازوکارهای دریافت مالیات به‌گونه‌ای باشد که افراد نتوانند از شیوه‌های فرار مالیاتی یا مهریه‌های صوری استفاده کنند.

ممکن است بر این نظریه، ایراد شود که با توجه به آن‌که مهریه، درآمد محسوب نمی‌شود، بلکه هدیه و نله‌ای است از جانب همسر، بنابراین، گرفتن مالیات وجهی ندارد (قرچوری، ۱۳۸۷، ش ۳۸-۳۷، ص ۱۲). اما این نقد با توجه به دلایل مشروعیت مالیات در فقه اسلامی، موجه به نظر نمی‌رسد. شهید مطهری در این باره می‌گوید، وضع مالیات از اختیارات حاکم شرعی است؛ او در هر زمانی می‌تواند برای هر چیزی مانند اتومبیل و غیره، طبق مصلحتی که ایجاد می‌کند، مالیات وضع کند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۳۳۲).

مبنای مشروعیت چنین مالیاتی، حق ولایتی است که ولی امر از طرف خداوند بر جامعه دارد. ولی امری که مسئولیت اداره امور جامعه با اوست، می‌تواند با رعایت مصلحت مسلمانان، به هر اندازه که صلاح بدانند، مالیات حکومتی وضع کند و دایره چنین مالیات‌هایی، گسترده‌تر از فلسفه تشریح خمس و زکات است (مؤمن، ۱۳۸۰، ش ۲، ص ۳۰).

حضرت امام خمینی(ه) نیز در کتاب *البیع از حق دولت*، در گرفتن مالیات‌هایی افزون بر خمس و زکات، دفاع می‌کند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۷).

لازم به ذکر است که در ماده ۱۴۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ که به معافیت‌ها پرداخته است، جهیزیه منقول و مهریه اعم از منقول و غیرمنقول مشمول معافیت مالیاتی قرار گرفته است. مفهوم این ماده آن است که از نظر حکومت، بر مهریه مالیات تعلق می‌گیرد، اما بنا بر مصالحی فعلاً مشمول معافیت خواهد بود. از منظر علم اقتصاد این تصمیم قابل دفاع است. هر فردی که در کشور بر اموال یا املاکی مالکیت دارد، مشمول پرداخت مالیات است و مهریه نیز مالی است که به تملک زن درمی‌آید و طبعاً مالیات بر آن تعلق می‌گیرد.

اما نکته مهم آن است که به موجب ماده ۲۵ لایحه پیشنهادی دولت از مهریه‌های بالاتر در زمان ثبت واقعه ازدواج، مالیات خواهند گرفت. این امر کاملاً مغایر با روح قوانین مرتبط است؛ زیرا که در زمان ازدواج، هنوز پولی به عنوان مهریه مبادله نشده است که بخواهند از آن مالیات بگیرند. در واقع زنان به جای آن‌که مهریه عندالمطالبه خود را بتوانند دریافت کنند، باید برای مهریه‌ای که هنوز دریافت نکرده‌اند، مالیات پرداخت کنند که این امر راه را برای ازدواج جوانان مشکل‌تر خواهد کرد. افزون بر این، وضع مالیات بر مهریه، موجب دو نرخ شدن مهریه می‌گردد. یعنی زوجین برای معافیت مالیاتی در سند ازدواج مهریه اندکی ذکر می‌کنند، ولی ضمن توافق جداگانه، مهریه بالاتری در نظر می‌گیرند.

۳- اضافه کردن شرط عندالاستطاعه در عقدنامه‌ها

در سال ۸۵ به سبب افزایش زندانیانی که به دلیل عدم پرداخت مهریه یا ناتوانی از پرداخت مهریه، به درخواست زن حبس می‌شدند و همچنین به دلیل رشد بی‌رویه مبالغ مهریه، اداره ثبت و اسناد کشور، طبق بخشنامه‌ای، شرط دیگری را به عقدنامه‌ها افزود. این شرط که به عنوان شرط «ج» به عقدنامه‌های جدید افزوده شد، درباره میزان مهریه و نحوه پرداخت آن بود که قسمت اول آن به «عندالمطالبه» بودن مهریه مربوط می‌شد؛ یعنی پرداخت مهریه به مطالبه و درخواست زن، وابسته بود.^۱ در این حالت، مهریه، نقد است و هیچ قید زمانی ندارد و به محض انعقاد عقد، مهریه به

ملکیت زن در می‌آید. قسمت دوم این شرط آن بود که پرداخت مهریه «عندالاستطاعه» باشد؛ یعنی پرداخت مهریه زن، موکول به زمان توانایی مالی مرد شود.

نقد و بررسی

گرچه اضافه شدن دو بند مذکور، با هدف کاهش ورود به زندان، مقابله با مهریه‌های سنگین و واقعی کردن میزان مهریه، انجام گرفت؛ لیکن توجه به نکات ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

الف - زوجین در امضای این شروط مختارند.

ب - شرط عندالاستطاعه، شرط مجهولی است که به امکانات مالی مرد بستگی دارد که ممکن است بلافاصله بعد از عقد یا تا مدت‌ها پس از عقد و یا حتی هیچ‌گاه به وجود نیاید؛ یعنی تعلیق به محال کردن حق زوج است که این شرط از نظر برخی فقها، مهریه را هم باطل می‌کند (موسوی خویی، ۱۹۹۲م، ج ۷، ص ۴۹۳؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۳، ص ۱۰۰؛ انصاری، ۱۴۲۰هـ، ج ۶، ص ۵۲). اما برخی دیگر، قائل به صحت شرط مجهول و در نتیجه صحت مهریه هستند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۶؛ اصفهانی، ۱۴۱۹هـ، ج ۵، ص ۱۶۶؛ امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۱). با وجود این برخورد آرا، مسأله محل تأمل است و چه بسا این مسأله، به آرای دادگاه‌ها هم سرایت کند و مسأله پیچیده‌تر گردد. از سوی دیگر، با قرار دادن چنین شرطی، باید زمینه‌های افزایش آگاهی خانواده‌ها، به خصوص زوج‌های جوان، فراهم شود تا از نتایج فقهی - حقوقی آن، اطلاع پیدا کنند.

آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ استفتایی در خصوص مهریه‌های مشکل‌ساز اظهار داشتند که «تفاوت گذاردن میان تعبیر «عندالقدره و الاستطاعه» و «عندالمطالبه» نیز صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تعبیر «عندالمطالبه» نیز، بر اساس شرایط عامه تکلیف است که یکی از آن‌ها «قدرت» می‌باشد و طبعاً مقید به آن است، مگر حکمی وجود دارد که مشروط به قدرت و استطاعت نباشد. سزاوار است این قیود نیز از عقدنامه حذف شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۴۴).

البته این مطلب را نباید از نظر دور داشت که وقتی زوج، عندالمطالبه را می‌پذیرد، از احتمال استطاعت یا عدم آن غافل نیست، ولی به امید استطاعت، آن را قبول می‌کند.

^۱ - در سال ۱۳۸۵ دستورالعملی از سوی سازمان ثبت صادر شد که متن کامل این بخشنامه به شرح زیر است: «سردفتران ازدواج مکلفاند در موقع اجرای صیغه عقد و ثبت واقعه ازدواج، در صورتی که زوجین در نحوه پرداخت مهریه، بر عندالاستطاعه مالی زوج توافق نمایند، به صورت شرط ضمن عقد درج و به امضای زوجین برسانند».

۴- دادن حق طلاق به زن

جریانی موسوم به جریان «مدافع حقوق زنان» که مهم‌ترین شاخصه آن، درخواست تشابه حقوق زنان و مردان است (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰)، مهم‌ترین علت افزایش غیرمتعارف مهریه را، ندادن حق طلاق به زن می‌داند. یکی از چهره‌های این طیف، می‌نویسد: «همان‌طور که مرد حق طلاق دارد، باید زن هم از این حق برخوردار باشد. الان کارکرد مهریه به نوعی مقابله با حق طلاق مرد است. در حالی‌که، اگر زن هم این حق را داشته باشد، دیگر نیازی به مهریه‌های سنگین نیست. چنان‌که بسیاری از پسرها مایلند ازدواج کنند، ولی به خاطر مهریه‌های سنگین نمی‌توانند. از آن طرف، دختران مجردی هم هستند که خانواده‌هایشان از ترس این‌که مرد، حق نامحدود طلاق را دارد و ممکن است دخترشان در آینده دچار مشکل شود، مایل نیستند بدون مهریه سنگین، با ازدواج او موافقت کنند» (عبادی، ۱۳۸۲، ش ۴۲، ص ۴۱). بنابراین مهریه سنگین، وسیله‌ای جهت مذاکره برای گرفتن طلاق است و در حقیقت، مهریه ضامن طلاق زن به هنگام درخواست اوست.

نقد و بررسی

اولاً- مقدار مهریه ارتباط چندانی با طلاق ندارد؛ زیرا اگر ادامه زندگی زناشویی، به ضرر زن یا شوهر و یا هر دو باشد، ادامه زندگی موجب خسارت بیشتر طرفین خواهد بود و هر کدام از زن و شوهر، باید کاری کنند تا جلوی خسارت بیشتر گرفته شود؛ ثانیاً- ما در این مقاله، بر آن نیستیم که درباره حکمت دادن حق طلاق به مرد بحث کنیم، اما توجه به نکات ذیل شایان توجه است:

حق مرد در طلاق، متناسب با حالت طبیعی ازدواج و محوریت علاقه و محبت مرد به زندگی خانوادگی است و رعایت این حق، اعتباری نیست، بلکه با طبیعت زن و مرد تطابق دارد. گرچه حق طلاق به صورت اولی و طبیعی در دست مرد است، اما این‌گونه نیست که در صورت بن‌بست در زندگی، برای زن همه راه‌ها بسته باشد.

از جمله مواردی که زن حق طلاق دارد، عبارت است از:

- الف - شوهر غایب مفقودالاثرا باشد (۱۰۲۹ق.م).
- ب - استنکاف یا عجز شوهر از پرداخت نفقه (۱۱۲۹ق.م).
- ج - عسر و حرج دوام زوجیت (۱۱۳۰ق.م).
- د - وکالت زوجه به طلاق در شرط ضمن عقد (۱۱۱۹ق.م).

۵- مهر السنه؛ حداکثر مهریه

برخی با این پیشنهاد که حداکثر میزان مهر، مهرالسنه (۵۰۰ درهم معادل ۵ مثقال نقره) تعیین و مقرر شود (مامی نمینی، ۱۳۸۶، ص ۴۱)، خواستار تغییر ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی شده‌اند که تعیین مقدار مهر را به تراضی طرفین (بدون ذکر حداکثر مقدار مهر) موکول کرده است. ایشان پیشنهاد می‌کنند که اضافه شود: «هر گونه توافق زاید بر این مقدار، باطل است» (مامی نمینی، ص ۴۲). لازم به ذکر است، قائل این نظریه، مستندی برای این نظر خود نیاورده و تنها در ابتدای مقاله، سخن سید مرتضی و روایات باب استحباب مهر به اندازه مهرالسنه را نقل کرده است که شاید بتوان آن را به نحوی مستند این قول قرار داد. ذکر این نکته نیز ضروری است که نویسنده مقاله فوق، این پیشنهاد را به عنوان یک حکم اولی بیان کرده است؛ زیرا در غیر این صورت - یعنی در صورت حکم ثانوی - حکم در اختیار حاکم اسلامی است و در صورت احراز ضرورت، اعمال می‌گردد.

نقد و بررسی

هر چند این پیشنهاد، باعث جلوگیری از قراردادن مهریه‌های سنگین می‌شود و موجب می‌گردد که مهریه‌ها مانند مهریه حضرت زهرا(س) شود که این، خود نوعی تأسی و پیروی از معصومان علیهم‌السلام می‌شود و در نتیجه می‌تواند منجر به رفع رویکرد کیفری در دعاوی گردد، اما باید توجه کرد که الزام زوجین بر این‌که حداکثر مهریه را مهرالسنه قرار دهند، خلاف نص صریح قرآن است و همان‌طور که در ابتدای بحث ذکر شد، اجماع سید مرتضی نیز مردود است. از طرف دیگر، مشهور فقها (بحرانی، ۱۴۰۸ هـ ج ۲۴، ص ۴۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۲۰ هـ ج ۱۰، ص ۴۰۷؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۱، ص ۱۴)، در برداشت از آیه «وآتیتهم إحداهن قنطارا...» (نساء، ۲۰)، قنطار را مال زیاد و حتی برخی، یکی از مصادیق آن را یک پوست گاو پر از طلا دانسته‌اند. در تاریخ آمده است که روزی عمر بن خطاب خواست که برای مهریه حدی مشخص کند که یکی از زنان از پشت پرده، خطاب به او کرد که، آیا این آیه قرآن را نشنیده‌ای که می‌فرماید «وآتیتهم إحداهن قنطارا فلا تأخذوا منه شیئا أتأخذونه بهتانا وإیما مینا». این آیه، خود دلالت بر عدم تعیین حد خاص برای مهریه کرده است. در این‌جا بود که عمر گفت، «کل أحد أفتقه من عمر» (مفید، ۱۴۱۴ هـ ص ۲۸؛ ابن‌ابی‌الحدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۲؛ قرشی دمشقی، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۴۷۸). از این نقل تاریخی هم، بر می‌آید که این مسأله، آن‌قدر نزد مردم، بدیهی و روشن بوده است که کسی در مقابل این نص صریح قرآنی، نمی‌توانسته اجتهاد کند. البته در

روایات، بر قرار دادن مهریه کم، تأکید زیادی شده است و برخی فقها، قرار دادن مهرالسنه را مستحب (طوسی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۷۲؛ جبلی عاملی، ۱۴۱۰ هـ ج ۵، ص ۳۴۴؛ فاضل هندی، ۱۴۲۰ هـ ج ۷، ص ۴۰۳) و برخی دیگر، بیش از آن را مکروه دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۱، ص ۱۷). البته از این‌گونه روایات، هیچ‌گاه برداشت الزام نمی‌شود. لازم به ذکر است که قانون نیز به تبعیت از مشهور، تعیین مقدار مهر را به تراضی طرفین موکول کرده (ماده ۱۰۸ ق.م) و بیان نموده است که هر چه قابل تملک باشد، می‌توان مهر قرار داد (ماده ۱۰۷۸ ق.م).

۶- حکم حکومتی مبنی بر تعیین مقدار مهریه به میزان مهرالسنه

ممکن است فرض شود که یکی دیگر از ابزارها برای کاهش مهریه، حکم حکومتی است. بدین معنا که اگر حاکم شرع، در جهت مصالح جامعه تشخیص دهد که در این زمان، لازم است مهریه‌های خاص تعیین شود، از باب حکم ثانوی و حکم حکومتی، جایز و بلکه واجب می‌شود.

نقد و بررسی

درباره این پیشنهاد، چند سؤال مطرح است که آیا قرار دادن میزان مهریه از اختیارات حاکم است؟ و اگر در اختیار حاکم است، آیا هیچ راهی جز حکم ثانوی نیست؟ اگر حاکم چنین اختیاری دارد، بر فرض صحت مهریه بالاتر از این مقدار، آیا تنها می‌توان مهریه بالاتر از مهرالسنه را مجازات کرد یا علاوه بر آن را هم، باطل شمرد؟

در این‌جا لازم است، قدری در این باره بحث شود. حاکمیت شرع که در زمان عصر غیبت با ولی فقیه است، در واقع پیاده کردن قواعد حاکم و ارجح در برابر احکام اولیه عادی است. بدین معنا که گاهی بین مصالح نهفته در دو حکم تزامم ایجاد می‌شود؛ یعنی تأمین هر دو در عمل ممکن نیست و ناچار باید یکی به نفع دیگری کنار گذاشته شود. در چنین مواقعی قوانین حاکم، مانند قاعده اهم و مهم، حاکمیت می‌یابد و به حکم آن، باید آنچه دارای مصلحت کمتر است، فدای حکمی شود که دارای مصلحت برتر است. حال اگر یکی از احکام اولیه دینی با مصلحت برتر جامعه در تضاد و تزامم افتد، ولی فقیه این قدرت را دارد که

مصلحت حیاتی و فراتر جامعه را بر آن حکم اولی فروتر، مقدم بدارد.^۱

^۱ - بنگرید به: موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۲۵.

امام خمینی(ه) در رابطه با گستره ولایت فقیه در کتاب *البیع می‌نویسد*: «جمع اختیارات حکومتی و سیاست‌گذاری پیامبر اکرم 6 و ائمه علیهم‌السلام، برای فقیه ثابت است و هیچ فرقی معقول نمی‌باشد» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۷۷). در جای دیگر می‌آورد: «اما اگر برای پیامبر و امام معصوم، ولایت و اختیار بر طلاق دادن مرد همسرش را و یا ... بدون هیچ مصلحت عمومی باشد، این ولایت برای فقیه ثابت نیست» (همان، ص ۴۱۹). پس، دخالت در امور شخصی افراد که هیچ ارتباطی با نظام اجتماع در جامعه اسلامی ندارد و یا حکم تامی در مورد آن وارد نشده است، از اختیارات ولی فقیه نیست؛ بلکه ولی فقیه، صاحب اختیار اموری است که به نوعی با اداره جامعه و حکومت اسلامی مرتبط می‌شود. لذا اگر همان طلاق همسر و مسائل و امور شخصی، به نحوی با نظام اجتماعی مرتبط گردد، ولی فقیه، مداخله نموده، به حل و فصل آن می‌پردازد.

حال که مشخص گردید، امکان تغییر احکام در صورت ضرورت یا در اثر تحولات اجتماعی وجود دارد، باید دید آیا وجود مهریه‌های سنگین، باعث به خطر افتادن مصلحت جامعه اسلامی است تا مجوزی برای ورود حاکمیت جهت تغییر در قوانین مربوطه به عنوان حکمی شرعی گردد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت، بی‌شک در سال‌های اخیر، تحولات اجتماعی هم بر نوع مهریه و هم بر میزان آن اثرگذار بوده است. این تحولات اجتماعی و قانونی، سبب شکل‌گیری دو باور در ذهن برخی شده است؛ اول این‌که، وجود مهریه‌های سنگین باعث روگردانی جوانان از ازدواج و در نتیجه باز ماندن دختران از ازدواج، یأس و ناامیدی و به دنبال آن زوال نشاط در جوانان و از بین رفتن روحیه فعالیت و تلاش در آن‌ها شده و این امور فساد را در جامعه گسترش داده است (گرجی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۴۸).

دوم این‌که، به علت وجود قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و اعمال آن به تقاضای زنان، مردان زیادی بازداشت شده و این امر هم تبعات منفی در جامعه ایجاد کرده است. لذا دخالت قانون‌گذار در این امور را پیشنهاد کرده، معتقدند قانون‌گذار، باید میزان مشخصی از مهریه را تعیین کند و مرد را از اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص مازاد بر این مهریه، معاف نماید (گرجی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰).

در این باره باید گفت؛ اولاً- به نظر می‌رسد علت عمده بی‌ رغبتی جوانان برای ازدواج، وجود مهریه‌های سنگین نیست، بلکه فقدان اشتغال و مشکلاتی است که آن‌ها برای هزینه ازدواج، تهیه منزل و پس از آن، تأمین هزینه‌های زندگی مشترک دارند؛ بنابراین میزان مهریه‌ای که فقط در سند نکاحیه ثبت می‌شود، نه زن هنگام انعقاد نکاح، قصد گرفتن آن را دارد و نه مرد قصد دادن آن را، نمی‌تواند مانع عمده‌ای برای روگردانی جوانان از ازدواج باشد؛ زیرا مرد از این حیث، هیچ فشار

مالی را تحمل نمی‌کند که باعث انصراف وی از ازدواج شود. در واقع شاید بتوان گفت، علت عمده مهریه‌های سنگین، عقیده به این باشد که مهریه را کی داده و کی گرفته؟! هر چند این قضاوت نیاز به بررسی میدانی دقیق‌تری دارد.

ثانیاً. اگر چه ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، بازداشت بدهکار مستتکف از پرداخت بدهی و از جمله مرد مستتکف از پرداخت مهریه را مجاز می‌داند و اجازه می‌دهد مرد با اثبات اعسار خود از پرداخت محکوم‌به، بازداشت نشود، در عمل رویه بر آن است که دادگاه‌ها با تقدیم دادخواست اعسار از طرف مرد، اقدام به تقسیط مهریه کنند و با توجه به وضعیت مالی مرد، وی را به پرداخت مبلغ ناچیز ماهیانه به زن ملزم می‌کنند. بنابراین کم یا زیاد بودن مهریه، تأثیری در اعمال یا عدم اعمال ماده ۲ قانون فوق‌الذکر ندارد. به عبارت دیگر، وقتی پرداخت مهریه تقسیط می‌شود، تفاوت چندانی نمی‌کند که مهریه یکصد سکه بهار آزادی باشد یا پانصد سکه یا بیش‌تر، مهم این است که تقسیط مهریه، باعث معافیت مرد از حبس می‌شود و این مشکل، به صورت کاملاً قانونی رفع می‌گردد (جلالی، ۱۳۸۹، ش ۴۸، ص ۲۰۶).

البته نباید توقع داشت که واقعیت خارجی، همیشه با این امر موافق باشد و دقیقاً بر وقوع این مطلب صحه بگذارد.

با عنایت به نکات فوق، می‌توان گفت، آزادی زوجین در تعیین میزان مهر، مصلحت جامعه مسلمین را به خطر نمی‌اندازد که ضرورت دخالت قانون‌گذار را جهت تحدید اراده زوجین در تعیین مهریه ایجاب نماید و از طرفی، با توجه به راه‌های پیشنهادی دیگر، ضرورتی به الزام از طریق حکم حکومتی نمی‌رسد.

نکته قابل ذکر دیگر، آن است که بر فرض تعیین مهریه توسط حاکم، تنها می‌توان کسی را که بالاتر از مقدار تعیین شده مهر قرار داده است، مجازات کرد و نمی‌توان مهر را باطل اعلام نمود؛ زیرا همان‌طور که قبلاً گذشت، به حکم اولی، تعیین مقدار، مخالف نص صریح قرآن است و حتی فقها هم با شاهد آوردن قضیه عمر در هنگام وضع مهریه خاص و بطلان مازاد بر آن، تعیین مقدار خاص را برای مهریه جایز نمی‌دانند.

بنابراین، در این صورت هم عملاً نمی‌توان راهکار مناسبی را جهت کاهش ارائه داد، هر چند که این امر می‌تواند قدری جنبه بازدارندگی داشته باشد.

۷- عدم ثبت مهریه بالاتر از میزان تعیین شده

عده‌ای بر این عقیده‌اند که «طرحی تصویب شود که اگر مهریه‌ها از یک میزان بیشتر باشد، دفاتر ثبت نکنند و این مسأله در بخشنامه به دفاتر ابلاغ شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی www.makaremshirazi.org) و منظور ایشان، متناسب با عرف جامعه و یا درصدی از درآمد در طول زمان است. مبنای این نظریه هم تعیین میزان مهریه است.

نقد و بررسی

درباره این نظریه، همان مطالبی که در بحث پیش گفته شد، می‌آید. علاوه بر آن که باید مشخص شود این حد متعارف و متناسب مهریه، چه میزان و مبلغی است؛ زیرا میزان مهریه، در شهرهای کوچک‌تر یا در روستاها، با شهرهای بزرگ و نیز در میان خانواده‌های مختلف با سطح فکری، فرهنگی، اجتماعی مختلف، بسیار متفاوت است و تعیین میزان مهریه متعارف، برای تمام مناطق کشور به‌طور یکسان، به هیچ وجه صحیح نیست. از طرف دیگر، اگر بخواهند مهریه را برای مناطق مختلف و با توجه به خانواده‌های متفاوت از نظر فکری و فرهنگی به صورت مختلف، تعیین کنند، این امر نامیسر و حتی می‌توان گفت غیرممکن است؛ چون در هر خانواده‌ای، علاوه بر سطح مالی، فکر، فرهنگ، سنت و عقاید خاصی هم حکمفرماست. تأکید می‌گردد، از آنجا که در راه حل پیشنهادی که در انتهای بحث می‌آید، سخنی از تحدید مهریه نیست، دیگر جایی برای مشخص کردن میزان برای مهریه‌ها احساس نمی‌شود.

۸- نظریه برگزیده

به نظر می‌رسد جهت کاهش مهریه‌های سنگین، باید مقرر شود که مرد در هنگام عقد ازدواج، مالک مهریه نوشته شده باشد (در صورتی که مهریه عین معین باشد) و یا توان پرداخت آن را داشته باشد (در صورتی که دین باشد) و این امر توسط مرجع دیگری ضمانت شود. جهت توضیح و تبیین مستندات فقهی این نظریه، لازم است نکاتی بیان شود تا بتوان در نتیجه‌گیری و پیشنهاد، از آن استفاده کرد و نظریه قابل دفاع گردد:

الف - مهریه بهای زن نیست؛ بلکه هدیه و نحلّه‌ای است که از جانب مرد به زن داده می‌شود آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً»، این آیه تأکید می‌نماید، مهر یک عطیه الهی و هدیه (نحلّه) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۶) و نشانه صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است (صَدَقَاتِهِنَّ) و پرداخت آن به زن حق او و الزامی است (وَأَتُوا النِّسَاءَ)

(قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۲). مرد موظف است، مهریه را به طور کامل به زن بدهد و اگر در این زمینه، کوتاهی روا دارد، شایسته بدترین عقوبت‌هاست. برخی از روایات، مردی را که مهریه زن خود را نپردازد یا امکان تصرف در مهریه را از زن سلب کند، به شدت نکوهش کرده و آن را از بدترین و پلیدترین گناهان می‌داند، رسول الله (ص) فرمود: «به‌درستی که خداوند متعال هر گناهی را می‌آمزد، مگر گناه کسی که مهریه زن را انکار کند...» (نوری، ۱۴۰۱هـ ج ۱۳، ص ۳۷۸). همچنین ابی عبد الله ۷ در این باره فرمود: «پلیدترین گناهان سه چیز است که یکی از آن‌ها نگه‌داشتن مهریه زن است...» (نوری، ۱۴۰۱هـ ج ۱۵، ص ۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳هـ ج ۶۱، ص ۲۶۸).

ب - قرار دادن میزان خاص برای مهریه، صحیح نیست و این، بر خلاف آیه قرآن و روایات است. آیه ۲۰ سوره نساء می‌فرماید: *وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَاءَهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا*؛ «اگر خواستید همسری به‌جای همسری انتخاب کنید و مال فراوانی به یکی از آنان داده باشید، از او چیزی مگیرید. آیا می‌خواهید با بهتان و گناه آشکار، آن را باز پس گیرید؟»

نکته مورد نظر در آیه، واژه قنطار است. قنطار، به معنای مال زیاد است و در گفته‌های مفسران و روایات، مصداق‌های متعددی برای آن ذکر شده است؛ از جمله، هزار و دویست اوقیه، هزار و دویست مثقال، هزار دینار، دوازده هزار درهم، هشتاد هزار درهم، صد رطل، هفتاد هزار دینار و طبق روایتی از امام باقر ۷ و حضرت صادق ۷ یک پوست گاو پر از طلا که البته برخی اقوال نیز مطابق این روایت است (طباطبایی، ۱۴۲۰هـ ج ۱۰، ص ۴۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۷۲).

این‌که خداوند فرموده است مهریه زنان را اگر بسیار زیاد هم باشد بپردازید، دلالت بر آن دارد که در چارچوب قوانین الهی، برای مهریه محدودیت وجود ندارد؛ چرا که اگر غیر از این بود، خداوند پرداخت مهریه را تا حد معین واجب می‌فرمود و مرد را از باز پس‌گیری مهریه‌ای که تعیین کرده - صرف‌نظر از میزان آن - منع نمی‌فرمود. بنابراین جلوگیری از قراردادن مهریه‌های سنگین، ظاهراً وجه شرعی ندارد.

اما باید توجه داشت که مهریه سنگین کراهت دارد و ائمه علیهم‌السلام از آن نهی کرده‌اند و زنانی را که مهریه آنان پایین بوده، ستوده‌اند و این‌گونه زنان را جزء بهترین افراد امت رسول‌الله قرار داده‌اند.

رسول خدا 6 فرموده است: «برترین زنان امت من کسانی هستند که... مهریه آنان کم باشد» (حرعاملی، ۱۴۱۴هـ ج ۲۱، ص ۲۵۱).

البته روایات، مهریه خیلی پایین را هم ناپسند شمرده‌اند و ائمه علیهم‌السلام کراهت خویش را بیان فرموده‌اند. چنان‌که از حضرت علی 7 روایت شده که فرمود: «من کراهت دارم از این‌که مهریه کمتر از ده درهم باشد تا شبیه هدیه در روابط جنسی آزاد و نامشروع نشود» (همان، ص ۲۵۳). بسیاری از روایات، قرار دادن مهریه‌های سنگین را موجب دشمنی و باعث بی‌برکتی در زندگی دانسته‌اند.

امام علی 7 می‌فرماید: «مهریه را زیاد قرار ندهید تا در نهایت سبب دشمنی نگردد» (نوری، ۱۴۰۱هـ ج ۱۵، ص ۶۶).

از ابی عبد الله 7 نیز نقل شده است که فرمود: «بی‌برکتی و بدیمنی در سه چیز است ... در زنی که مهریه‌اش زیاد و با همسرش بدخلق باشد...» (حرعاملی، ۱۴۱۴هـ ج ۲۱، ص ۲۵۲). اما باید گفت که در سنت رسول الله و ائمه طاهرین علیهم‌السلام و همچنین در سیره متشرعه زمان امامان، هم مقدار زیاد، هم مقدار کم و هم مهرالسنه را مهریه کرده‌اند؛ مثلاً روایت شده است که امام حسن 7 مهریه زنی را ۱۰۰ کنیز قرار دارد که همراه هر کدام ۱۰۰۰ درهم بود (فاضل هندی، ۱۴۲۰هـ ج ۱، ص ۴۰۲). نقل است که عمر، موقع ازدواج با ام کلثوم دختر حضرت علی 7، ۴۰ هزار درهم، مهریه قرار داد و انس بن مالک زنی را با مهریه ۱۰ هزار درهم به عقد خود درآورد (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۱۵). یا حضرت جواد 7، هنگام ازدواج با ام فضل، دختر مأمون، مهریه او را هم اندازه مهریه جداهش، فاطمه (س)، ۵۰۰ درهم قرار داد (نوری، ۱۴۰۱هـ ج ۱۴، ص ۲۰۹).

لذا به نظر می‌رسد اگر در جایی مهریه بالایی قرار داده شده است، شاید به این دلیل بوده که اصل جواز در بین مسلمین نهادینه شود و کسی تحدیدی برای مهریه قائل نشود. همان‌طور که در نقد و بررسی راه‌حل حکم حکومتی گذشت، حاکم در صورت اقتضای مصلحت، می‌تواند میزان مهر را تقدیر کند، اما با توجه به راه‌حل‌های دیگر که حکم اولی را بر نمی‌دارد، ضرورت و مصلحتی ایجاد نمی‌کند که حاکم شرع وارد شود و بخواهد مقدار خاصی را برای مهریه قرار دهد.

ج - سیره و روش پیامبر 6 و ائمه علیهم‌السلام و بالتبع سیره متشرعه (که خود یکی از ادله اثبات حکم است)، بر این استوار بوده که هر کس، هر مهریه‌ای را که قرار داده است، یا در ابتدای

ازدواج پرداخت کرده است و یا پرداخت آن، در توانش بوده است. در این جا لازم است به چند نمونه از این روایات که بیانگر سیره و روش یاد شده بوده است، اشاره شود:

- امام علی 7 فرمود: «مردی نزد پیامبر خدا 6 آمد و گفت، یا رسول الله 6 می‌خواهم با این زن ازدواج کنم. پیامبر 6 فرمود، چقدر مهریه او می‌کنی؟ گفت، چیزی ندارم. (پیامبر) به انگشتی در دستش نگاه کرد و فرمود، این انگشت مال توست؟ گفت، آری. پیامبر 6 فرمود، پس مهریه او را این انگشت قرار بده و با این مهریه با او ازدواج کن» (همان، ج ۱۵، ص ۶۰).

- محمد بن مسلم از امام محمد باقر 7 نقل کرده است که حضرت فرمود: «زنی نزد پیامبر 6 آمده، گفت، مرا شوهر بده. پیامبر رو به اصحاب کرده، فرمود، چه کسی مایل به ازدواج با این زن است. مردی برخاست و گفت ای رسول خدا 6 من با او ازدواج می‌کنم. آن حضرت پرسید: مهریه او را چه قرار می‌دهی؟ او گفت، من چیزی ندارم. آن حضرت فرمود، پس نمی‌توانی با او ازدواج کنی. آن زن تقاضای خود را برای ازدواج تکرار کرد. پیامبر نیز رو به اصحاب، سخن سابق خود را تکرار کرد. این دفعه نیز کسی جز همان مرد، موافقت خود را در ازدواج با آن زن اعلام نکرد. پیامبر(ص) نیز پس از سؤال مجدد و شنیدن جواب تکراری، تقاضای مرد را رد کرد. در مرتبه سوم که زن و مرد سخن خود را تکرار کردند، حضرت از آن مرد سؤال کرد، آیا چیزی از قرآن را می‌دانی؟ او گفت، بله. آن حضرت فرمود، پس این زن را به عقد ازدواج تو درآوردم و مهریه‌اش را آموزش قرآن قرار دادم» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۸۰).

از جمله نکاتی که می‌توان از این روایات برداشت کرد، آن است که جهت انجام ازدواج، قدرت و توانایی شخص برای پرداخت مهر و ایفای تعهد مالی وی مهم است؛ تا اندازه‌ای که پیامبر 6، حاضر نشد تعهدی را که شخص بالفعل یا بالقوه توانایی آن را ندارد، بر عهده وی بگذارد و همه توجه رسول خدا 6، به داشته‌ها و توانایی‌های مالی زوج، معطوف بود. علاوه بر آن‌که، این امر نیز در جامعه نبوی پذیرفته شده بود که اشخاص نیز اموری را که در توانشان نبود، تعهد نمی‌کردند. بنابراین، مهر باید به اندازه‌ای باشد که پرداخت آن بالفعل و یا لاقلاً بالقوه و در زمانی که عرفاً و عقلاً پذیرفتنی باشد، در توان زوج باشد و اگر غیر این باشد، ازدواج ثبت نگردد؛ چرا که اعتبار دین و به عهده گرفتن، اموری عرفی است و عرف، عهده هر فردی را تا حدود معینی قبول دارد و بیش از آن را بر نمی‌تابد. مثلاً بانک، به هر کسی دسته چک نمی‌دهد، پس تعداد زیادی از مردم، از این اعتبار محرومند. تازه پس از داشتن دسته چک، نوشتن هر مبلغی بر روی آن از سوی هر کسی پذیرفته نیست، چک یک معلم، برای خریدن یک تلویزیون یا یخچال معتبر است، اما برای خریدن یک آپارتمان چند طبقه، صاحب آپارتمان قبول نمی‌کند و امضای یکی، دو نفر معتبر دیگر را می‌خواهد. در حالی‌که، چک یک بازاری

معروف در این مورد، امضا و ضمانت دیگری را نمی‌خواهد. پس افراد حسب مال و موقعیت، اعتبارات متفاوتی دارند.^۱ لذا قراردادن مهریه‌های گزاف بدون هیچ پشتوانه، در واقع فریبی بیش نیست و برای محکم شدن این تعهد، ممکن است شخصی که از نظر مالی توانمند است و می‌تواند ضمانت مالی از سوی زوج را برعهده بگیرد، مبنای ملاحظات مؤسسات مالی ارزیاب در مسأله واقع شود و از آنجا که نظر شیعه در بحث ضمان، نقل ذمه به ذمه است، دیگر راهی برای گذاشتن مهریه‌های سنگین بدون پشتوانه نیست. البته بحث ضمانت، در صورتی است که خود زن به هنگام ازدواج، چنین تضمینی را بخواهد و گرنه، نمی‌توان مردم را مجبور به تضمین مهر کرد.

البته در این بین، از راهکارهای فرهنگی نیز نباید غافل شد؛ چرا که در جامعه ما، مفاهیمی همچون فلسفه مهریه در اسلام، ترغیب به قرار دادن مهرالسنة (که همان مهریه حضرت زهرا سلام الله علیها است)، هنوز نهادینه نشده است. از این رو، ضرورت پیگیری آن از طرف نهادهای مسئول، نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی و... ضروری به نظر می‌رسد. رهبر معظم انقلاب نیز در این باره در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی که به موضوع زن و خانواده اختصاص داشت، فرمودند: «ازدواج یک جنبه قدسی دارد؛ این جنبه قدسی را نباید از آن، گرفت. گرفتن جنبه قدسی، به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رایج شده. این مهریه‌های سنگین به خیال این‌که می‌تواند پشتوانه حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین می‌شود؛ در حالی‌که این‌جور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع می‌کند و او را به زندان می‌برند. یک سال، دو سال زندان می‌ماند. در این اقدام، به زن چیزی نمی‌رسد؛ او بهره‌ای نمی‌برد، جز این‌که کانون خانواده‌اش هم متلاشی می‌شود. این‌که در اسلام از حضرت امام حسین ۷ نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنة عقد نکردیم، به خاطر این است؛ و الاً می‌توانستند. اگر امام حسین ۷ می‌خواست، مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می‌توانست؛ لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقیه - مقید به این کار بشود. آن‌ها می‌توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است؛ این خیلی خوب است»^۲.

^۱ - برخی از فقها این‌گونه متعهد شدن بدون پشتوانه و اطمینانی را از اقسام غرر منهی عنه می‌دانند. بنگرید به: نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۲، ص ۳۸۷؛ انصاری، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۱۷۷.

یافته‌های پژوهش

در فقه امامیه دو نظر در خصوص مقدار مهریه وجود دارد: ۱- مهرالسنة؛ برخی بر این عقیده‌اند که میزان مهر نباید بیش‌تر از مهرالسنة؛ یعنی پانصد درهم باشد. ۲- مهریه توافقی؛ اکثر فقهای شیعه عقیده دارند که برای مهریه حداکثری وجود ندارد، بلکه هر قدر که طرفین برآن توافق کنند، آن را می‌توان مهریه قرارداد. آیات قرآن کریم و روایات وارده از ائمه علیهم‌السلام در مورد جواز مهریه توافقی، مؤید این مطلب است.

نکته دیگر در خصوص دلایل افزایش مهریه است. تمسک به نظر دوم، در کنار عوامل دیگری موجب افزایش مهریه در جامعه شده است که با دانستن عوامل مزبور، می‌توان به راهکار مناسبی جهت کاهش مهریه دست یافت. برخی از این عوامل عبارتند از: استفاده از مهریه زیاد به عنوان بالاترین حربه برای محدود کردن اختیارات مرد؛ استفاده زوجه از مهریه در راستای رسیدن به ثروت و سرمایه‌گذاری؛ افزایش روزافزون هزینه‌ها و تشریفات متنوع و پرخرج ازدواج، هم‌چون تهیه جهیزیه کامل به وسیله خانواده دختر و نسیه بودن مهریه.

اندیشمندان برای پایین آوردن مقدار مهریه راهکارهایی ارائه کرده‌اند مانند: پرداخت نقدی مهریه؛ مالیات بر مهریه؛ اضافه نمودن شرط عندالاستطاعه در عقدنامه‌ها؛ دادن حق طلاق به زن؛ مهرالسنة، حداکثر مهریه؛ حکم حکومتی مبنی بر تعیین مقدار مهریه به میزان مهرالسنة؛ عدم ثبت مهریه بالاتر از میزان تعیین شده. بر هر یک از این راهکارها انتقادهایی وارد است. نظریه برگزیده نویسنده این است که جهت کاهش مهریه‌های سنگین، مقرر شود که مرد در هنگام عقد ازدواج، مالک مهریه نوشته شده باشد (در صورتی که مهریه عین معین باشد) و یا توان پرداخت آن را داشته باشد (در صورتی که دین باشد) و این امر توسط مرجع دیگری ضمانت شود.

با توجه به نظریه نویسنده و آنچه در این مقاله بیان شد، پیشنهاد می‌گردد:

طرحی از جانب مجلس شورای اسلامی تصویب گردد که بر اساس آن، سازمان ثبت اسناد، بانک‌ها، وزارت دارایی، و سایر ادارات و نهادهای مالی مرتبط، موظف باشند هنگام ثبت ازدواج، توان مرد را در پرداخت مهریه احراز کنند؛ بدین معنا که یا مرد در هنگام ازدواج، مالک مهریه نوشته شده باشد و یا وضعیت مالی و شغلی او به‌گونه‌ای باشد که به طور طبیعی و در یک روند اقتصادی سالم، بتواند عندالمطالبه مهریه را پرداخت کند و اگر غیر این باشد، ازدواج ثبت نگردد؛ چرا که اعتبار

۲- بیانات معظمله در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰، ۱۴، ۱۰، برگرفته از سایت <http://www.radiomaaref.ir>

دین و به عهده گرفتن، اموری عرفی هستند و عرف، عهده هر فردی را تا حدود معینی قبول دارد و بیش از آن را بر نمی‌تابد.

البته در این بین، از راهکارهای فرهنگی نیز نباید غافل شد؛ زیرا در این زمینه، رسانه، اصحاب هنر و نویسندگان می‌توانند با تهیه و توزیع محصولات فرهنگی، به مفاهیمی همچون فلسفه مهریه در اسلام، ترغیب به قرار دادن مهرالسنه (که همان مهریه حضرت زهرا سلام الله علیها است)، بیان مسائلی همچون علل ناسازگاری‌ها و این‌که مهریه زیاد باعث خوشبختی کسی نمی‌گردد و مسائلی از این قبیل بپردازند.

منابع و مأخذ

- ✓ ابن ابی الحدید، فخرالدین ابوحامد عبدالحمید، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۸، چاپ دوم
- ✓ اصفهانی، محمد حسین، *حاشیه کتاب المکاسب*، قم، نوری القربی، ۱۴۱۹هـ چاپ اول
- ✓ افریقی مصری، محمد بن مکرم بن منظور، *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵هـ
- ✓ امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱، چاپ هفدهم
- ✓ امامی نمینی، محمود، «ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین»، مقالات و بررسی‌ها، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دفتر ۸۶، ۱۳۸۶
- ✓ امیر احمدی، محمدرضا، *نظام مالی خانواده*، تهران، میزان، ۱۳۸۸
- ✓ انصاری، مرتضی بن محمد امین، *المکاسب*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰هـ چاپ اول
- ✓ بحرانی، شیخ یوسف، *الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۸هـ
- ✓ تاتار، هادی، «راهکاری جهت حل مشکل مهریه‌های سنگین»، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۵/۳
www.alef.ir
- ✓ جلالی، سید مهدی، «نقد و بررسی مهریه در لایحه حمایت از خانواده»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، تهران، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۴۸، سال دوازدهم، تابستان ۱۳۸۹
- ✓ جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *شرح اللمعه*، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۰هـ چاپ اول
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه* (آل البيت)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۴هـ چاپ دوم
- ✓ حلّی، جمال دین ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر (علامه)، *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*، قم، مؤسسه امام صادق ۷، بی‌تا، چاپ اول
- ✓ حلّی، احمد بن محمد بن فهد، *المهذب البارع فی شرح مختصر النافع*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱هـ چاپ اول

- ✓ حلی، محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹، چاپ اول
- ✓ دیلمی، سلار بن عبد العزیز، *المراسم العلویه فی احکام النبویه*، قم، مجمع اهل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴هـ
- ✓ رفیع پور، فرامرز، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در تهران*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸
- ✓ زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴هـ چاپ اول
- ✓ زیبایی نژاد، محمد رضا و محمد تقی سبحانی، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸، چاپ دهم
- ✓ سبزواری، محمد باقر، *کفایه الاحکام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۳هـ چاپ اول
- ✓ سبحانی، جعفر، *نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء*، قم، انتشارات امام صادق 7، ۱۴۱۷هـ چاپ اول
- ✓ شریف مرتضی (سید مرتضی)، علی بن حسین موسوی، *الانتصار*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵هـ
- ✓ — *النزیه الی اصول الشریعه (اصول فقه)*، تحقیق و تعلیق ابوالقاسم گرجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، چاپ اول
- ✓ شیخی، محمدتقی، *جامعه شناسی زنان و خانواده*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، چاپ اول
- ✓ طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸هـ چاپ دوم
- ✓ طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲، چاپ سوم
- ✓ طباطبائی، سید علی، *ریاض المسائل*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۰هـ چاپ اول
- ✓ طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷هـ چاپ پنجم
- ✓ طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، *حاشیه المکاسب*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۸

- ✓ طوسی، محمدبن حسن بن علی، *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه*، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چاپ سوم
- ✓ _____ *المبسوط فی فقه الامامیه*، تصحیح و تعلیق محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۸، چاپ دوم
- ✓ عاملی، سیدمحمد، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳هـ چاپ اول
- ✓ عبادی، شیرین، «*این رسم حمایت نیست!*»، ماهنامه بازتاب اندیشه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، شماره ۴۲، مهر ۱۳۸۲
- ✓ فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام* (ط.ج)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰هـ
- ✓ قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷، چاپ نهم
- ✓ قرشی دمشقی، اسماعیل بن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲هـ چاپ اول
- ✓ قراچورلو، رزا، «*نقد و بررسی لایحه جدید حمایت از خانواده*»، نشریه وکالت، شماره ۳۷-۳۸، آبان ۱۳۷۸
- ✓ کلینی، محمدبن یعقوب، *الفروع من الکافی*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، چاپ سوم
- ✓ گرجی، ابوالقاسم و همکاران، *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- ✓ مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ چاپ دوم
- ✓ محسنی، منوچهر، *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران*، تهران، انتشارات گلبن شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۷۹
- ✓ مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹، چاپ هفتم
- ✓ مفید، محمد بن محمدنعمان، *رساله فی المهر*، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴هـ چاپ دوم
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، *استفتائات جدید*، قم، انتشارات امام علی ابن ابیطالب 7، چاپ ۱۳۸۹
- ✓ _____ *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چاپ اول

- ✓ _____ **درس خارج فقه**، تاریخ ۱۳۹۰/۸/۱۱، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی www.makarem.ir
- ✓ موسوی خمینی، سید روح الله، **البیع**، قم، مطبعه مهر، بی تا، چاپ اول
- ✓ _____ **ولایت فقیه**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳، چاپ دوم
- ✓ موسوی خویی، سید ابوالقاسم، **مصباح الفقاهه**، بیروت، دار الهادی، ۱۹۹۲م، چاپ اول
- ✓ مؤمن، محمد، «**رابطه خمس و زکات با مالیات های حکومتی**»، نشریه اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری انجمن اقتصاد اسلامی ایران، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰
- ✓ نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، تحقیق و تعلیق محمود قوچانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶، چاپ دوم
- ✓ نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸هـ، چاپ دوم
- ✓ یوسف زاده، حسن، «**پایش جامعه شناختی مهریه**»، فصلنامه کتاب زنان، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۲۷، سال هفتم، بهار ۱۳۸۴
- ✓ www.radiomaaref.ir

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.